

بسمه تعالی

# راهنمای عملی آزمون رورشاخ

مؤلفان :

محمدرضا بحرانی

(استادیار روان‌شناسی دانشگاه پیام نور)

مریم فرهادی

(کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی)

انتشارات ارسطو

(چاپ و نشر ایران)

۱۳۹۶

سرشناسه: بحرانی، محمدرضا، ۱۳۴۳ -  
عنوان و نام پدیدآور: راهنمای عملی آزمون رورشاخ/مولفان محمدرضا بحرانی،  
مریم فرهادی.  
مشخصات نشر: تهران: ارسطو، ۱۳۹۶.  
مشخصات ظاهری: ۳۴۲ ص.: مصور.  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۲-۱۴۶-۴  
وضعیت فهرست نویسی: فیپا  
یادداشت: کتابنامه.  
موضوع: آزمون رورشاخ  
موضوع: Rorschach Test  
شناسه افزوده: فرهادی، مریم، ۱۳۶۰ -  
رده بندی کنگره: ۱۳۹۶/BF۶۹۸ ب۳/۹/۸  
رده بندی دیویی: ۱۵۵/۴  
شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۸۷۸۲۵

نام کتاب: راهنمای عملی آزمون رورشاخ  
مولفان: محمدرضا بحرانی (mrbahrani@yahoo.com)  
مریم فرهادی (farhadimaryam@yahoo.com)  
ناشر: ارسطو (با همکاری سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)  
صفحه آرایی، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر  
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد  
نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶  
چاپ: مدیران  
قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۲-۱۴۶-۴  
تلفن های مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵  
www.chaponashr.ir



انتشارات ارسطو



چاپ و نشر ایران

## فهرست مطالب

شماره صفحه	عناوین
۷	پیشگفتار
۱۱	تقدیر و تشکر
۱۳	فصل اول: کلیات
۱۵	مقدمه
۱۶	تاریخچه
۱۸	مبانی نظری آزمون‌های فرافکن
۲۱	اعتبار آزمون رورشاخ
۲۳	نظام‌های مختلف اجرا و نمره گذاری
۲۶	حوزه‌های کاربرد آزمون رورشاخ
۲۹	فصل دوم: دستور العمل اجرای آزمون رورشاخ
۳۱	آزمون رورشاخ
۳۳	گام اول: شروع اجرای آزمون
۳۵	شیوه‌ی برخورد آزمودنی با کارت‌ها
۳۷	گام دوم: یادداشت پاسخ‌های آزمودنی
۳۹	گام سوم: بررسی پاسخ‌ها (آنکت)

۴۰	بررسی حد ها
۴۱	انتخاب کارت ها
۴۱	گام چهارم: تبدیل پاسخ ها به علائم
۴۲	الف) محل ادراک لکه ها
۴۸	ب) تعیین کننده ها
۶۴	ج) محتوای پاسخ ها
۷۲	د) نوع پاسخ ها
۷۴	سایر انواع واکنش های آزمودنی ها به کارت ها
۷۴	شوک
۷۷	امتناع در ارائه ی پاسخ
۷۸	گام پنجم: محاسبات
۸۰	محاسبه فراوانی و درصد پاسخ ها
۸۲	گام ششم: یافته های اولیه ی آزمون رورشاخ
۸۲	وجه دریافت (تیپ دریافت) T.A
۸۳	تیپ طنین درونی Tri
۸۸	تعداد پاسخ ها و معنای تشخیصی آنها
۹۰	نسبت T/R و معنای تشخیصی آن
۹۱	گام هفتم: انطباق پروتکل با تابلوهای بالینی
۹۱	ملاک های تفسیر در آزمون رورشاخ
۹۲	الف) ملاک های هوشمندی
۹۲	ب) ملاک کم هوشی

ج) ملاک‌های تشخیص اسکیزوفرنیا	۹۳
د) ملاک‌های تشخیص ضایعه‌ی مغزی	۹۴
ه) ملاک‌های تشخیص افسردگی	۹۵
و) ملاک‌های تشخیص پسیکوپاتی	۹۵
ز) ملاک‌های تشخیص نوروز وسواس	۹۶
ح) ملاک‌های تشخیص هیستری	۹۷
ط) ملاک‌های تشخیص صرع	۹۷
ی) ملاک‌های تشخیص اضطراب (آنگواس)	۹۹
ک) ملاک‌های تشخیص بهنجاری در نزد بزرگسالان	۱۰۰
گام هشتم: نتیجه‌گیری	۱۰۳
کاربرد آزمون رورشاخ برای کودکان	۱۰۴
<b>فصل سوم: اجرای عملی آزمون رورشاخ</b>	<b>۱۱۳</b>
جدول پروتکل	۱۱۵
محاسبات	۱۱۹
تابلوهای بالینی	۱۲۱
تفسیر پروتکل	۱۲۸
<b>فصل چهارم: پیوست‌ها</b>	<b>۱۲۹</b>
تصاویر کارت‌ها	۱۳۱
توضیح کارت‌ها	۱۴۱
پاسخ‌های فرم مثبت	۱۴۸

صفحه	عنوان
۲۱۵	پاسخ‌های فرم منفی
۳۲۷	انواع پاسخ‌های دیگر
۳۳۳	واژه‌نامه
۳۳۷	منابع

## به نام خداوند جان و خرد      کزین برتر اندیشه برنگذرد

### پیشگفتار

از آن زمان بیش از ربع قرن می‌گذرد، ترم پاییز سال ۱۳۷۰ دانشجویان کارشناسی ارشد رشته کودکان استثنایی دانشگاه علامه طباطبایی درس آزمون‌های روانی با تدریس استاد ارزشمند و بزرگوار جناب آقای دکتر هادی بهرامی که چندین آزمون استاندارد روان‌شناسی از جمله تست رورشاخ را با حوصله، دقت و در نهایت مهارت و تخصص به ما آموزش دادند. بدون تردید درک درست از مبانی نظری روان‌سنجی و مهارت در سنجش و آزمون شخصیت مدیون تدریس بسیار خردمندانه جناب دکتر بهرامی هستیم و قطعاً نقش ارزشمند استاد در ایجاد انگیزش و شوق به نگارش چنین اثری کاملاً محسوس و موثر می‌باشد. لذا بر خود واجب دانستم این پیشگفتار را با یاد، سپاس و قدردانی از استاد جناب آقای دکتر هادی بهرامی آغاز نمایم.

روان‌سنجی و بخصوص آزمون ویژگی‌های شخصیتی و یا سنجش سازمان شخصیت انسان یکی از مهم‌ترین دست‌آوردهای روان‌شناسی می‌باشد، همواره یکی از انتظارات رایج و به حق مراجعین به روان‌شناس توصیف، سنجش و ارزشیابی شخصیت و یا صفات شخصیتی می‌باشد. آزمون‌های شخصیتی متعددی اعم از عینی و فرافکن این امکان را فراهم نموده‌اند که به این نیاز و خواسته مراجعین با ضرایب اطمینان قابل قبولی پاسخ دهند. اما به اعتقاد بسیاری از روان‌شناسان بالینی با تجربه، که در اجرای تست رورشاخ تجارب زیادی دارند، یکی از پر جاذبه‌ترین و در عین حال معتبرترین آزمون‌ها برای

- سنجش شخصیت، آزمون رورشاخ می‌باشد. این ویژگی‌های نسبتاً انحصاری عبارتند از:
- شرایط ممتاز و روند اجرای استاندارد آزمون و ضرورت ایجاد موقعیت برای فرافکنی ادراکی آزمودنی.
  - غیر قابل پیش بینی بودن و عدم امکان تشخیص رابطه بین محتوای پاسخ‌ها و نتیجه آزمون توسط مراجع.

تجربه ۲۵ سال اجرای پروتکل‌های متعدد از آزمون رورشاخ به روی مراجعین با ویژگی‌های کاملاً متفاوت بوسیله اینجانب حاکی از این است که این آزمون با ضرایب اطمینان بسیار بالایی قابلیت سنجش، ارزیابی صفات سازه‌های اصلی شخصیت انسان معاصر را دارد؛ اما شاید به دلیل نیاز به قدری دقت و تخصص در تفسیر و اعلام نتایج، کمتر از آنچه بایسته هست، مورد استفاده قرار می‌گیرد. شاید یکی از دلایلی که موجب شده است، تست رورشاخ با وجود قابلیت ذاتی بسیار بالا در روان‌سنجی کمتر از میزان قابل انتظار بکار برده شود، فقدان یک دستورالعمل ساده و کاربردی برای روان‌شناسان کمتر مجرب می‌باشد.

در این کتاب که با ایده، همت، تلاش و مشارکت موثر سرکار خانم مریم فرهادی (دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی) تالیف شده است، کوشیده ایم، کتاب موجود را به گونه‌ای تدوین کنیم که برای همه روان‌شناسان بخصوص دانشجویان و فارغ التحصیلان مقطع کارشناسی ارشد روان‌شناسی به صورت یک دستورالعمل کاملاً شفاف گام به گام، مراحل اجرایی آزمون را، به طور عینی شرح دهیم. که شامل چهار فصل است: در فصل اول نگاهی اجمالی به تاریخچه و مبانی نظری آزمون رورشاخ شده است.

فصل دوم در هشت گام در قالب دستورالعمل اجرایی به صورت کاملاً عینی و ساده مراحل کامل اجرای پروتکل رورشاخ توضیح داده شده است.

فصل سوم منحصراً بحث تفسیر نتایج اجرای آزمون می‌باشد.

فصل چهارم تصاویر کارت‌ها و پاسخ‌های رایج و پاسخ‌های فرم و سایر مستندات



مورد نیاز برای اجرای آزمون است که با عنوان پیوست‌ها درج شده است.

بدیهی است با وجود همه تلاشی که برای تدوین این کتاب، صورت گرفته است، اما بدون شک نقص‌ها و کاستی‌های فراوانی دارد، که امید است با نقدها و پیشنهادات ارزشمند علاقه‌مندان به حوزه روان‌شناسی و روان‌سنجی با توفیق خداوند منان، اصلاحات لازم اعمال گردد.

محمد رضا بحرانی و مریم فرهادی

بهار ۹۶



## تقدیر و تشکر

خداوند منان را شاکرم که در طول مسیر تألیف این کتاب، در کنارم و همراهم بود. از دو ستاره‌ی پر فروغ زندگی‌ام، مادر و زنده یاد پدرم، که دعای خیرشان همواره پشتوانه‌ی راهم بوده است، و همسرم، مهندس احمد آراد، مشوق اصلی تحصیلی‌ام و همچنین استاد ارزشمند و بزرگووارم جناب آقای دکتر محمد رضا بحرانی که نه اندیشه‌ها را، بلکه اندیشیدن را به من آموخت، کمال قدردانی و تشکر را دارم.

زندگی مکعبی شش پنجره است،

که گردش روزگار هر روز پنجره‌ای، به روی ما می‌گشاید،

کدامین پنجره مهم نیست،

مهم آنست که چگونه از آن، به دنیای بیکران بنگریم.

مریم فرهادی - بهار ۹۶



## فصل اول

### کلیات



## مقدمه:

مدتها پیش از آن که رورشاخ<sup>۱</sup> ده کارت اولیه خود را در سال ۱۹۲۱ منتشر کند، بسیاری از آزمون‌ها و بازی‌هایی از نوع لکه‌ی جوهر وجود داشت؛ اما این رورشاخ بود که نخستین نظام جامع و مبتنی بر روش تجربی را برای نمره گذاری و تفسیر پاسخ‌ها نسبت به مجموعه‌ای از کارت‌های استاندارد تدوین کرد (گراث مارنات<sup>۲</sup>، ۱۹۹۷). وی هنگامی که دریافت می‌توان از ادراک لکه‌های جوهر برای تشخیص افتراقی روان پزشکی استفاده کرد، این روش را برای حل مسایل نظری به کار برد (لانیون و گودشتاین<sup>۳</sup>، ۱۹۹۲). در سال‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ نام رورشاخ در بین متداول‌ترین آزمون‌ها، رتبه دوم را داشت و تقریباً مترادف با روان‌شناسی بالینی بود. و تبدیل به یکی از پرطرفدارترین آزمون‌ها شد و بین روان‌شناسان مورد توجه قرار گرفت. اما سؤالی که مطرح می‌شود این است که «چرا باید با استفاده از آزمون رورشاخ (به دلیل زمان زیاد برای اجرا، نمره‌گذاری و تفسیر) متحمل زحمت شویم؟». چرا که روش‌های سنجش متعددی وجود دارند که می‌توانند توصیف‌های مفید و معتبری را از افراد ارائه دهند، و اگر چه توصیفات مبتنی بر رورشاخ از یک فرد، معمولاً جامع است، این توصیفات در نمونه نسبتاً کمی از رفتارهای غیرمستقیم (پاسخ به لکه‌های جوهر)، ریشه دارند. بنابراین، یافته‌ها و نتایج

---

1- Rorschach

2- Marnat GG

3- Goodstein Leonard David & Lanyon Richard

اساساً استنتاجی هستند. این توصیفات استنتاجی در مقایسه با توصیفات فرمول‌بندی شده که از مصاحبه، تست‌های دیگر یا گفته‌های مبتنی بر مشاهدات اشخاص مهم به دست می‌آیند، چه ارزشی می‌توانند داشته باشند؟ زمانی که ادراک از یک شخص به عنوان یک فرد، برای انتخاب راهبرد یا اهداف درمانی مهم باشد، یا زمانی که مجموعه‌ی این اطلاعات، برای دیگر تصمیمات مرتبط با فرد از اهمیت برخوردار باشند، تعداد کمی از روش‌های سنجش، در صورت وجود، می‌توانند مانند آزمون رورشاخ وقتی که به درستی استفاده می‌شود، منحصر به فرد بودن یک شخص را آشکار کنند. این مسأله به این علت است، که پاسخ‌های رورشاخ به وسیله‌ی طیف وسیعی از اعمال و کارکردهای روان‌شناختی تولید می‌شوند (اکسندر، ۲۰۰۳). در طول قرن بیستم رویکردهای متمایزی در نمره‌گذاری و اجرای رورشاخ بدست آمده است. برخی روان‌شناسان، از این آزمون برای بررسی ویژگی‌های شخصیتی یا عملکردهای عاطفی افراد استفاده می‌کنند. از این آزمون همچنین برای تشخیص اختلال‌های ذهنی پنهان استفاده می‌شود، به خصوص در مواردی که بیمار تمایلی به توصیف تفکرات خود به صورت واضح ندارد. همچنین این آزمون در یک چهارم موارد توسط روان‌پزشکان پزشکی قانونی، برای مجرمان تجویز می‌شود. با توجه به اینکه سبک‌ها و نظام‌های زیادی در رورشاخ گسترش یافته است، این کتاب، با آموزش گام به گام اجرا، نمره‌گذاری و تفسیر آزمون رورشاخ، به شیوه‌ی ساده و کاربردی، برای روان‌شناسان و دانشجویان روان‌شناسی تالیف شده است.

## تاریخچه:

برای نخستین بار یونگ آدر سال ۱۹۰۴ آزمون همخوانی واژگان را ساخته و بعد از آن در سال ۱۹۲۰ رورشاخ آزمون معروف خود را در غالب لکه‌های جوهر ارائه داده است و بالاخره سومین آزمون فرافکن با عنوان آزمون اندریافت موضوع توسط

---

1- Exner

2- Jung



هنری موری<sup>۱</sup> در سال ۱۹۳۵ ارائه گردید. اما اصطلاح روش‌های فرافکنی<sup>۲</sup>، در ارزیابی شخصیت برای نخستین بار توسط فرانک<sup>۳</sup>، در سال ۱۹۳۹ مطرح شد. فرانک در مقاله‌ای تحت عنوان روش‌های فرافکنی، در ارزیابی شخصیت، نه تنها وجوه مشترک آزمون فوق را نشان داد، بلکه آزمون‌های فرافکنی فوق را به عنوان آزمون‌هایی که به وسیله آن می‌توان شخصیت کلی افراد را مورد ارزیابی قرار داد، معرفی نموده است (لیلیان فیلد<sup>۴</sup> ۱۹۹۹). فرانک آزمون‌های فرافکنی را چنین تعریف کرده است:

«هنگامی که اشخاص می‌کوشند تا محرک‌های مبهم را درک کنند، تفسیر آنان از این محرک‌ها بازتابی از احساسات، نیازها، تجارب، رفتارهای شرطی شده‌ی پیشین و فرایند تفکر آنهاست».

به بیان بهتر، هنگامی که یک کودک ترسان به اطاق تاریک نگاه می‌کند و سایه‌ی بزرگی را به صورت هیولایی می‌بیند، ترس خود را به سایه فرافکنی می‌کند. سایه یک محرک خنثی است، نه خوب و نه بد، نه ترسناک و نه زیبا، آنچه که کودک در سایه می‌بیند، تمایلات درونی ذهنی اوست.

در سال ۱۹۲۰ هرمان رورشاخ - روانپزشک سوئیسی - پس از مطالعه و آزمایش روی ۳۰۰ بیمار روانی و ۱۰۰ فرد سالم به عنوان شاهد‌های کنترل، آزمایشی به نام «ده لکه» را ابداع کرد، که با توجه به تفسیر این لکه‌ها از سوی فرد درمانگر می‌تواند به برخی جنبه‌های شخصیتی و درونی بیمار پی ببرد.

الهام بخش رورشاخ برای ابداع این تست روان‌شناسی، یک پزشک آلمانی به نام «جوستینوس کرنر» بود، که در سال ۱۸۵۷ کتاب محبوبی از اشعارش را چاپ کرده بود. هر شعر او در این کتاب، از یک لکه‌ی تصادفی جوهر، الهام گرفته بود! البته آلفرد بینه<sup>۵</sup> -

---

1 - Murray Henry

2 - Projection Methodes

3 - Frank

4 - Lillian Field

5- Alfred Bine

روان‌شناس مشهور فرانسوی - هم از لکه‌های جوهر به عنوان آزمایشی برای ارزیابی میزان خلاقیت استفاده کرده بود. بعد از آن که فرانک در سال ۱۹۳۹ روش‌های فرافکنی را به طور منسجم مطرح نموده، تا به امروز ده‌ها آزمون فرافکنی ساخته شده است. همگی این آزمون‌ها بر این فرض بنیادی قرار دارند، که افراد به هنگام رویارویی با محرک‌های مبهم همچون لکه‌های جوهر یا تصاویر ناروشن، تفسیرهایی از خود نشان می‌دهند که معرف اندیشه‌ها، نیازها، ترس‌ها، نگرش‌ها و تمایلات آنها می‌باشد (دوراندا، ۱۹۸۸). و آنچه که آزمودنی در یک محرک می‌بیند، بازتابی از خصایص شخصیتی اوست، بعضی پاسخ‌ها ممکن است بیش از پاسخ‌های دیگر ویژگی‌های آزمودنی را آشکار کنند (شریفی، ۱۳۷۶).

### مبانی نظری آزمون‌های فرافکن:

مبانی نظری آزمون‌های فرافکن را در چهار مفهوم درباره ماهیت شخصیت به شکل زیر می‌توان خلاصه نمود (مایلی به نقل از منصور، ۱۳۶۹):

اول آن که شخصیت پدیده‌ای ایستا نیست، بلکه فرایندی پوی است و از همین جاست که برای اکتشاف آن لازم است ابزارهایی به کار برده شود که بتوانند این جنبه شخصیت را منعکس سازند.

دوم آن که شخصیت با آن که دارای ماهیت پوی است، اما به علت شکل و ساختار، قابل اکتشاف می‌باشد.

سوم آن که رفتار آدمی محصول تبادل بین ساخت شخصیت و محیط است و جنبه‌ی سازشی دارد. وقتی انسان محرک‌های رفتار را بشناسد، می‌تواند ساختار شخصیت را از آن استنتاج کند. پس تنها مسئله مهم تعیین محرک‌ها و رفتارهایی است که از همه مشخص تر هستند.

چهار آن که قسمت وسیعی از ساخت شخصیت ناهشیار است. از آنجا که رفتار توسط مجموعه ساخت‌های شخصیت تعیین می‌گردد، روش‌های فرافکنی می‌تواند به اکتشاف

عوامل ناهشیار شخصیت نائل آید.

در واقع پیدایش آزمون‌های فرافکن از نظر تحول و مبانی نظری تابع دو دیدگاه می‌باشد:

### ۱- نظریه‌های روانکاوی<sup>۱</sup>

۲- نظریه‌های شناختی<sup>۲</sup> که بر پایه درک کلی استوارند، همانند روانشناسی گشتالت<sup>۳</sup>.

رابطه‌ی نظریه‌ی روانکاوی و آزمون‌های فرافکنی را می‌توان چنین بیان نمود (پروین، ۲۰۰۱ به نقل از کدیور و جوادی، ۱۳۸۱):

۱- نظریه روانکاوی بر تفاوت‌های فردی و تشکیلات پیچیده‌ی کنش شخصیت تأکید دارد. شخصیت به عنوان فرایندی در نظر گرفته می‌شود که انسان از طریق آن به محرک‌های محیطی، ساخت و سازمان می‌دهد. شیوه‌های فرافکنی حداکثر امکان را برای منحصر به فرد بودن پاسخ، چه در محتوا و چه در ساختار، فراهم می‌کند.

۲. نظریه روانکاوی بر اهمیت ناهشیار<sup>۴</sup> و مکانیسم‌های دفاعی<sup>۵</sup> تأکید می‌کند. آزمون‌های فرافکن شامل دستور العمل‌ها و محرک‌هایی است، که رهنمودهای چندانی برای پاسخگویی فراهم نمی‌کنند و مقاصد آزمون و تفسیر پاسخ‌ها در آن‌ها پوشیده می‌مانند.

۳. نظریه روانکاوی بر درک کل شخصیت تأکید دارد و از تفسیر رفتار با توجه به یکی از ویژگی‌های شخصیت یا یکی از اجزاء آن دوری می‌کند. آزمون‌های فرافکنی به جای تفسیر یک پاسخ معین، که ویژگی خاصی را نشان می‌دهد، براساس طرح یا سازماندهی کلیه‌ی پاسخ‌ها، تفسیرهایی کلی ارائه می‌دهند. بنابراین آزمون‌های فرافکنی از نظر مبانی

1- Psychoanalytic theory

2- Cognitive theory

3- Gestalt

4- Unconscious

5- Defense mechanism

نظری و تحول، بیشتر تابع نظریه روانکاوی می‌باشند. امروزه روش‌های فرافکنی یک اصطلاح فنی است که به گروهی از آزمون‌های شخصیتی گفته می‌شود. پیش فرض اساسی همه آزمون‌های فرافکنی بر این واقعیت تأکید دارد که، نحوه ادراک و تفسیر آزمودنی‌ها، به تکلیف ساخت و سازمان می‌دهد.

بنابراین هرچه تکلیف ساخت نیافته و مبهم تر باشد، به همان اندازه آزمودنی‌ها بیشتر جنبه‌های ناآشکار و ناهشیار شخصیت خود را نشان می‌دهند. هرگونه رابطه آموخته شده بین دو یا چند جزء را «تداعی»<sup>۱</sup> گویند. به عبارت دیگر؛ همخوانی، پیوستگی، عملیات جمع، برقرار ساختن رابطه و ارتباط میان محرک و پاسخ یا دو پاسخ متوالی یا دو طرز تفکر را تداعی می‌نامند. همچنین به یک تجربه روان‌شناختی خاص که توسط محرک یا حادثه‌ای برانگیخته شود، تداعی گفته می‌شود.

یکی از تکنیک‌های روانکاوی برای کشف زندگی روانی ناهشیار مراجع، «تداعی آزاد»<sup>۲</sup> است. تداعی آزاد، هر نوع تداعی بدون قید بین عقاید، واژه‌ها، افکار و نظایر آن‌ها را گویند. در تداعی آزاد، در دستورالعمل‌های اصلی که به مراجع داده می‌شود، از او می‌خواهند، که هر آنچه را در طول یک جلسه روانکاوی به ذهنش می‌آید، بدون توجه به محتوای منطقی، اخلاقی و جنسی یا پرخاشگرانه، به زبان بیاورد. در آزمون تداعی آزاد، کلمه‌ای به آزمودنی گفته شده و از او خواسته می‌شود به نخستین کلمه‌ای که به ذهنش می‌رسد، واکنش نشان دهد.

تداعی‌ها ممکن است آزادانه یا القایی باشند. در نوع اول، شخص بدون محرک، تداعی‌های خود را بسط می‌دهد. در نوع دوم، کلمات محرک به آزمودنی داده می‌شود و او بلافاصله با اولین تداعی که به ذهنش خطور می‌کند، پاسخ می‌دهد. مجموعه این آزمون‌ها «آزمون‌های تداعی» خوانده می‌شوند. آزمون‌های تداعی، برچسب کلی برای هر روش بالینی یا تجربی (که در آن با ارائه محرکی به آزمودنی از وی خواسته می‌شود با یک تداعی نسبت به آن واکنش نشان دهد) را گویند.

---

1- Association

2 - Free Association

## اعتبار آزمون رورشاخ:

پژوهش های پیش از ۱۹۸۵ در مورد پایایی آزمون رورشاخ اغلب گیج کننده است. در حالی که در بعضی از این پژوهش ها ضرایب همسانی درونی آزمون بین ۰/۸۰ تا ۰/۹۰ گزارش شده در برخی دیگر به ضرایب ۰/۰۱ و حتی ۰/۱ نیز اشاره شده است.

پارکر<sup>۱</sup> در یک مطالعه فراتحلیلی در ۱۹۸۳، ۳۹ مقاله را که در آن ها از ۵۳۰ روش مختلف آمار استفاده شده بود، تحلیل کرد. وی پایایی درونی آزمون را بر اساس مطالعات انجام شده برابر ۰/۸۳ برآورد کرد. پارکر به این نتیجه رسید که با استفاده از فرمول کورد-ریچاردسون<sup>۲</sup> برای برآورد ضریب پایایی درونی آزمون به جای استفاده از همبستگی بین سؤال های زوج و فرد، ضریب پایایی محاسبه شده افزایش چشمگیری می یابد. که بین ۰/۵۵ الی ۰/۸۸ با متوسط ۰/۷۷ گزارش شده است. او خاطرنشان کرد که به طور کلی می توان انتظار داشت که ضریب پایایی رورشاخ بین ۰/۸۰ الی ۰/۸۶ باشد (شریفی، ۱۳۷۵؛ گراث مارنات، ۱۹۹۷). از ضرایب پایایی بازآزمایی ۲۵ متغیر در فاصله زمانی یک سال در مورد گروهی از افراد غیر بیمار، ضرایب پایایی بین ۰/۲۶ الی ۰/۹۱ به دست آمد. در مجموع، ۲۰ متغیر ضرایبی بالاتر از ۰/۷۲، ۱۳ متغیر ضرایبی بین ۰/۸۱ و ۰/۸۹، و ضرایب دو متغیر دیگر بیش از ۰/۹۰ بود.

اکسنر در بازآزمایی همان گروه با فاصله‌ی زمانی سه سال، الگویی مشابه اما اندکی پایین تر را به دست آورد. برعکس، از بازآزمایی گروه دیگری از بزرگسالان غیر بیمار در فاصله زمانی سه هفته، در مقایسه با فاصله یک سال و سه سال، در مجموع، ضرایب پایایی نسبتاً بالاتری به دست آمد (گراث مارنات، ۱۹۹۷).

هایلر و همکارانش<sup>۳</sup> (۱۹۹۹) بر اساس بررسی مطالعات پیشین، بین معیارهای رورشاخ و تشخیص های روان پزشکی رابطه ای حدود ۰/۱۸ یافتند. هم چنین، رورشاخ با دیگر

1- Parker

2- Cord Richardson

3- Hiler & etal

تست های شخصیت و کارکردهای روان شناختی به طور میانگین، ارتباط کمی را نشان داده، گرچه با خود گزارش دهی افراد و نتایج رورشاخ آن ها، وضعیت بهتر بوده است.

تا به امروز، مطالعات گسترده ای بر روی آزمون رورشاخ انجام گرفته که البته این نوع مطالعات در ایران محدود بوده اند؛ نگاهی به اکثر تحقیقات انجام شده در ایران، نشان می دهد که جنبه های محدودی از ویژگی های آسیب شناسانه یا شخصیتی، مورد توجه محققان بوده است. با این حال، پرداختن به مسایل اعتبار یا پایایی، به شدت نسبت به جنبه های دیگر محدود بوده است. نگاهی فشرده به مجموعه تلاش های پژوهشی در ایران در این حوزه، نمایانگر این امر است.

نخستین تلاش پژوهشی توسط مشایخی (۱۳۴۸) صورت گرفته که نتایج آن بر اساس بررسی قطعه گذاری مناطق «بوهم»<sup>۱</sup> انجام شده است.

بعد از آن، تحقیقات در ایران با استفاده از آزمون رورشاخ برای سنجش تفاوت میان افراد درون گرا<sup>۲</sup> و برون گرا<sup>۳</sup> (منتظر فرج، ۱۳۵۷)، تفاوت پاسخ دهی بین افراد معتاد و عادی (فیض، ۱۳۵۷)، تفاوت میان گروه پسران ناسازگار و عادی (مظاهری، ۱۳۷۰)، تفاوت پسران ناسازگار پرخاشگر و عادی مقطع ابتدایی (زرگری، ۱۳۷۵)، تفاوت بین افراد افسرده<sup>۴</sup> و عادی (محمدی نیک، ۱۳۷۸؛ یثربی، ۱۳۸۲ و موسوی، ۱۳۶۸)، تفاوت بین افراد سالم با بیماران اسکیزوفرنیک<sup>۵</sup> (مؤمن، ۱۳۵۷؛ مهدی پناه، ۱۳۶۲؛ حبیبی، ۱۳۷۲؛ فلاحی سرخوش، ۱۳۷۳) و تفاوت بین الگوی ادراکی جانبازان و معلولین عادی (یونسی، ۱۳۷۰) انجام گرفته که همه به نوبه خود حاکی از تفاوت معنی دار در بعضی متغیرهای مورد نظر در رورشاخ بوده اند.

در میان این پژوهش ها، با تعداد اندکی مطالعه روبرو می شویم، که به بررسی اعتبار

---

1- Bohm

2- Introversion

3- Extroversion

4- Depressed

5-Schizophrenic

آزمون رورشاخ پرداخته اند، از آن جمله مختارزاده (۱۳۷۴) در بررسی اعتبار و پایایی رورشاخ در تشخیص ضایعات مغزی ابتدا رورشاخ را با نظام پیتروفسکی تشخیص گذاری کرد. و سپس معیار بروننی موج نگاری الکتریکی مغز<sup>۱</sup> (EEG) را برای نمونه ۷۸ نفری خود در نظر گرفت. نتایج نشان داد که آزمون رورشاخ در تشخیص ضایعات مغزی شدید از قدرت مناسبی برخوردار است و افراد طبیعی را به خوبی می تواند مشخص کند. اما در تشخیص ضایعات خفیف مغزی دارای قدرت تشخیص کافی نیست. مجتهدی (۱۳۷۵) نیز به هنجاریابی مقدماتی آزمون رورشاخ بر اساس نظام اکسندر دست زد. وی کوشید تا ۱۵ نفر از آزمودنی‌ها را بعد از چند ماه بیازماید که ضرایب همبستگی بین ۰/۱۴ تا ۰/۹۴ نیز برای برخی متغیرهای رورشاخ به دست آمد.

این آزمون هنوز هم یکی از پر مصرف ترین (دوران، بلانشار و میندل ۱۹۹۸؛ لوبین و همکاران ۱۹۸۵)<sup>۲</sup> و پرطرفدارترین ابزارهای سنجش به شمار می‌رود.

### نظام‌های مختلف اجرا و نمره گذاری:

خاستگاه آزمون رورشاخ در اروپاست، اما این آزمون تا حد زیادی در آمریکا شاخ و برگ پیدا کرد (اکسندر، ۱۹۹۳)، شاید اگر رورشاخ بیشتر زنده می ماند تاریخ و سیر تحول آزمون او کاملاً تفاوت می‌کرد. بدون راهنمایی و پژوهش مداوم از سوی یک «پدر پایه گذار» مانند رورشاخ، سر رشته‌های فن رورشاخ به دست افرادی با زمینه‌های کاملاً متفاوت از یکدیگر افتاد. تا سال ۱۹۵۷ پنج نظام رورشاخ به صورتی گسترده مورد استفاده بود، که مشهورترین آنها توسط بک<sup>۳</sup> و کلاپفر<sup>۴</sup> ایجاد شده بود (مارنات، ۱۹۹۰، ص ۲۷۶).

در حال حاضر ۸ سبک بزرگ تفسیر رورشاخ در دنیا متداول است، که با سبک خود رورشاخ ۹ سبک را تشکیل می‌دهند، ۶ سبک ویژه جامعه آمریکا و ۲ سبک ویژه جامعه

1- Electroencephalography

2- Duran, Blatshar, Mendel & Looyen

3- Beck

4- Klopfer

فرانسه زبان است. این سبک‌ها عبارتند از:

- سبک لوسلی - اوستری<sup>۱</sup>
- سبک ساموئل بک
- سبک مارگریت - هرترز<sup>۲</sup>
- سبک کلاپفر
- سبک زیگموند پیتروفسکی<sup>۳</sup>
- سبک دیوید راپاپورت<sup>۴</sup>
- سبک اکسندر
- سبک امبردان<sup>۵</sup>

سبک‌های امبردان و لوسلی - اوستری در کشورهای فرانسه زبان و سبک خود رورشاخ در کشور آلمان متدوال است و قسمت‌های آلمانی زبان کشور سوئیس (بهرامی، ۱۳۸۳، ص ۴۵).

پس از مرگ رورشاخ، سه نفر از همکاران وی به نام‌های امیل ابرهولزر، جورج راوررو و مورجتالر، تحقیقات وی را به میزان محدود ادامه دادند. رویکرد اصلی که توسط رورشاخ و اخیراً بوسیله دیگر توسعه دهندگان فنون لکه‌های جوهر مورد استفاده قرار گرفته است، توجه به پاسخ‌های ویژه جمعیت‌های مختلف است. بدین منظور هنجارهای اولیه جهت کمک به تمیز جمعیت‌های بالینی گوناگون و بهنجار ابداع شد. هنجارهای جدید اختصاص به عقب ماندگان ذهنی، افراد بهنجار، هنرمندان، دانشجویان و دیگر گروه‌های فرعی با

---

1- Loosle - Usteri

2- Marguerite - Hertz

3- Zygmund Piotrowski

4- David Rapaport

5- Omberdan



ویژگی‌های مشخص دارد. رورشاخ در ابتدا می‌خواست به طور تجربی افتراق‌هایی را بین گروه‌های مختلف ایجاد کند، زیرا علاقه او به تعبیر نمادین پاسخ‌ها اندک بود. بسیاری از مفاهیم اصلی و مقوله‌های نمره گذاری او هنوز در نظام‌های (سیستم‌های) جاری رواج دارد. به عنوان مثال، وی متوجه شد که بیماران افسرده و مغموم به نظر می‌رسد که کمترین تعداد پاسخ‌ها را ارائه می‌دهند. افرادی که تعداد زیادی پاسخ را با شتاب می‌دهند احتمالاً در ادراک و تفکرشان نسبت به موقعیت‌های خارج از آزمون نیز، دچار پریشانی هستند. وی همچنین متوجه اهمیت مکث‌های طولانی در پاسخ‌ها (که پاسخ‌های شوک یا تکان دهنده نام دارند) بود و فرض می‌کرد که این مکث‌ها با احساس درماندگی<sup>۱</sup> و پسرفت هیجانی در ارتباط است (مارنات، ۱۹۹۰، ص ۲۷۶).

بک (۱۹۳۷) پیوسته بر اهمیت ایجاد ارتباطات تجربی بین رمزهای رورشاخ و اندازه ملاک‌های خارجی تأکید می‌کرد. تأکید بک بر این موضوع بود که پاسخ به آزمون رورشاخ در ابتدا وابسته به یک فرآیند ادراکی - شناختی است که به وسیله‌ی آن پاسخگر ادراکات خویش را به پاسخ‌های معنی دار تبدیل کرده و سازمان می‌دهد.

این فرآیند ادراکی - شناختی احتمالاً انعکاس پاسخ‌های وی به جهان، به صورت کلی است. برای مثال، افرادی که ادراک‌های خود را از یک لکه جوهر به اجزای کوچک تری تقسیم می‌کنند، احتمالاً درباره ادراک هایشان از موقعیت خارج آزمون نیز همین گونه رفتار می‌کنند.

درمقابل، کلاپفر (۱۹۲۷) به مقدار زیادی پایبند پدیدارشناسی<sup>۲</sup> و نظریات شخصیتی فروید<sup>۳</sup> و یونگ بود. در نتیجه، تأکید وی بر ماهیت نمادین و تعبیر گونه محتوای پاسخ‌های آزمودنی‌ها به لکه‌های رورشاخ بود. بنابراین به نظر کلاپفر پاسخ‌های آزمودنی‌ها به لکه‌های رورشاخ، فرآورده‌های تخیلی بودند که در اثر تحریک لکه‌های جوهر بوجود می‌آمدند (اکسندر و وینر، ۱۹۸۲، وینر، ۱۹۷۷). به عنوان مثال، پاسخ‌هایی که توصیف

---

1- Distress feeling

2- Phenomenology

3- Sigmund Freud

کننده‌ی موضوعات ترسناک می‌باشند، احتمالاً بیانگر افرادی هستند که دنیای اطراف شان را نیز تهدید کننده ادراک می‌کنند (مارنات، ۱۹۹۰، ص ۲۷۷).

## حوزه‌های کاربرد آزمون رورشاخ:

رورشاخ با اینکه در کتاب «روان تشخیصی»<sup>۱</sup> خود ملاک‌های قابل توجهی جهت تشخیص افتراقی امراض روانی ارائه کرده است، لکن با فروتنی تمام همه جا از آزمون خود به عنوان یک وسیله ساده تحقیق نام می‌برد. در حال حاضر آزمون او را در سه حوزه متفاوت ولی مکمل هم، مورد استفاده قرار می‌دهند. به شرح زیر:

۱- کلینیک‌های روان پزشکی و روان‌شناسی و بیمارستان‌های روانی. در این اماکن آزمون را یا برای تشخیص اختلالات روانی مریض‌های روانی به کار می‌برند و یا برای ارزشیابی پیشرفت و روند درمان آن‌ها. اطلاعات کسب شده، از اجرای آزمون در این مکان‌ها در نهایت باید به طبقه بندی‌های مبتنی بر رویکردهای روان پزشکی منتهی شوند. این اطلاعات باید به روان پزشکان و روان‌شناسان بالینی یاری دهند تا در پیامد تشخیص خود قاطع تر عمل کنند.

۲- محیط‌های مشاوره و راهنمایی: در این اماکن هدف از اجرای آزمون رورشاخ شناختن تیپ شخصیت افراد به منظور راهنمایی جهت سازگاری بهتر با محیط است. به طور مثال در کارخانه‌ها، مدارس و مؤسسات اداری و دولتی اجرای آزمون رورشاخ در سرند کردن مریض‌های روانی یا کسانی که در مرز ابتلاء به امراض روانی قرار دارند مؤثر واقع می‌شود. همچنین در زندان‌ها و اماکن نگهداری یا بازپروری کودکان و نوجوانان اجرای رورشاخ در تشخیص به موقع اختلالات شخصیتی افراد و مراجعه دادن آن‌ها به روان پزشک موفق بوده است.

۳- محیط‌های تحقیقاتی: حوزه‌های کاربرد آزمون رورشاخ در تحقیقات وسعت بیشتری دارند. در شناختن نوع ادراک کودکان در مقاطع سنی مختلف، در مقایسه

اختلافات بین فرهنگی به هنگام روبرو شدن با محرک دیداری، در یافتن تفاوت ادراک دیداری زنان با مردان، یا تحصیل کرده‌ها و بی سوادها و غیره (راش دوتروبن برگ<sup>۱</sup> ۱۹۸۳).



## فصل دوم

# دستورالعمل اجرای آزمون رورشاخ



## آزمون رورشاخ<sup>۱</sup>

دستور العمل اجرای گام به گام آزمون رورشاخ:

آزمون رورشاخ شامل ده کارت لکه‌های جوهر است که خود رورشاخ آنها را با دقت از بین کارت‌های متعددی که به همین منظور در طی سال‌ها تجربه ساخته بود، انتخاب کرده است.

✓ پنج عدد از این کارت‌ها به رنگ سیاه و سفید و خاکستری.

✓ سه عدد رنگین با لکه‌های مخلوط سبز، زرد، نارنجی، قهوه ای و غیره.

✓ دو عدد دیگر سیاه و سفید با لکه‌های قرمز هستند.

بعد از مرگ رورشاخ نسخه اصلی کارت‌های او به هانس هوبر<sup>۲</sup> سپرده شد، که نسخه‌های اصلی را با دقت از روی آنها چاپ کند. تحقیقات نشان می‌دهند که؛ چنانچه نسخه‌های بعدی با اصلی، حتی از نظر رنگ و شکل یا اندازه لکه‌ها اختلاف داشته باشند، پاسخ‌های نایکسان از آزمودنی‌ها دریافت خواهند کرد.

لکه‌های دو طرف هر کارت با هم کم و بیش تقارن دارند تا ادراکات حاصل از چشم‌ها

---

1- Rorschach test

2- Hans Humber

در نیمکره‌های مغز تعارض ایجاد نکنند. خود رورشاخ در مورد انتخاب کارت‌های خود می‌نویسد:

تجربه به ما نشان داد که آزمودنی‌ها به کارت‌هایی که حاوی لکه‌های جوهر نامتقارن هستند خوب پاسخ نمی‌دهند. در واقع آنها جذب این کارت‌ها نمی‌شوند و بیشتر آن‌ها بی تفاوت باقی می‌مانند. تقارن ریتم لازم را ایجاد می‌کند، اما اگر زیاد باشد باعث یکنواختی می‌شود. از طرفی دیگر تقارن برای تحریک نیم کره‌های مغز و افراد مسلط چپ و راست محرک یکسان ایجاد می‌کند. لکه‌های نامتقارن می‌توانند، موضوع تحقیقات جداگانه قرار گیرند و یا با تحقیقات لکه‌های متقارن مقایسه شوند (پسیکو دیاگنوستیک<sup>۱</sup> ۱۹۲۱).

### نکات مهم:

- ✓ قبل از اجرا باید از فقدان کوررنگی آزمودنی مطمئن شویم. این اطمینان با اجرای یکی از آزمون‌های کوررنگی (آزمون ای شی هارا)، یا پرسیدن نام رنگ اشیاء محیط اطراف حاصل خواهد شد.
- ✓ قبل از اجرای آن باید از صحت دید آزمودنی مطمئن شویم. اگر فرد برای خواندن به طور عادی عینک استفاده می‌کند به هنگام ادراک کارت‌ها نیز باید عینک خود را به چشم بزند. مصاحبه اولیه با آزمودنی می‌تواند اطلاعات ضروری در این امور را به ما ارائه کند.
- ✓ قبل از اطمینان از درجه همکاری آزمودنی نباید آزمون را اجرا کنیم و از طرفی دیگر باید اطمینان حاصل کنیم که آزمودنی قبلاً کارت‌ها را رؤیت نکرده باشد. در غیر این صورت این امر حداقل در مورد افراد بهنجار فاقد اعتبار خواهد بود.



## گام اول

### شروع اجرای آزمون:

شیوهی اجرای آزمون رورشاخ بسیار ساده است و در مدت زمان کوتاهی انجام می‌شود.

۱) جای نشستن آزمودنی در ارتباط با میز از اهمیت زیادی برخوردار است، نور باید به حد کافی در اتاق وجود داشته باشد و زاویه دید آزمودنی با سطح میز از ۴۵ درجه کمتر نباشد. نور باید از پشت و با ارتفاع مناسب و یا از جهت چپ بتابد و کارت گرفته شده در میان دست‌ها را به خوبی روشن نماید.

۲) فاصله رؤیت کارت‌ها با چشم‌های آزمودنی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این فاصله از «یک بازو» (نیم متر) نباید کمتر باشد.

۳) کارت‌ها را نباید از دور به آزمودنی نشان داد و به مرور به او نزدیک کرد. زیرا ادراک اولیه (که به علت فاصله زیاد به درستی انجام نشده است) پایدار باقی می‌ماند و چنین ادراکی استاندارد نشده است. رورشاخ برای ما مثال می‌زند که برخی آزمودنی‌های سوئیزی کارت شماره یک را از دور به صورت سر روباه ادراک می‌کنند. در صورتی که اگر از نزدیک به آن‌ها نشان داده شود، هیچ وقت چنین ادراکی نخواهند داشت.

۴) از آن جا که حالات قبلی آزمودنی‌ها در ادراک شان مؤثر است محیط اجرا باید عادی و عاری از هر گونه تکلف باشد.

۵) قبل از اجرا باید آزمودنی را در جریان اجرا گذاشت و او را برای همکاری آماده کرد. این کار با توجه به تنوع شخصیت آزمودنی‌ها به خبرگی آزمونگر مربوط می‌شود. مصاحبه اولیه کار آماده سازی آزمودنی را نیز باید در بر بگیرد. با آزمودنی‌های تحصیل کرده، وسواسی و شکاک ما همیشه دشواری‌های بیشتری احساس می‌کنیم تا برخی از افراد دیگر.

۶) کارت‌های دسته شده و بطور معکوس روی میز سمت راست آزمونگر قرار گرفته

اند، و پس از اجرای هر یک از کارت ها، کارت ها در سمت چپ آزمونگر بطور معکوس قرار می گیرند.

۷) ساعت در روی میز باید بگونه ای نصب شده باشد که توجه آزمودنی را جلب نکند و در عین حال برای آزمونگر از دور قابل رؤیت باشد.

۸) در موقع اجرا از گفتن کلماتی از قبیل آزمون یا تست باید خودداری کرد زیرا در افراد اضطرابی بازداری ایجاد می کنند. همچنین ذکر کلماتی از قبیل لکه جوهر، رنگ، شکل، حرکت یا اسامی اشیاء و حیوانات تلقین کننده خواهند بود و باید از به زبان آوردن آنها خودداری کرد. به آنهایی که در این گونه موارد سؤالاتی می کنند، در پاسخ باید گفت: «بطوری که می بینید این کارت ها عکس چیز بخصوصی را نشان نمی دهند، بلکه بگونه ای درست شده اند که هر کس در آن ها چیزهای متفاوتی را می بیند. حالا من می خواهم بدانم شما آن ها را چگونه می بینید. در این کارت ها ما پاسخ هایی که غلط یا درست باشند نداریم. هر پاسخی که افراد می دهند قبول می کنیم».

۹) کارت های دهگانه یک به یک در همان جهت استاندارد شده و به همان ترتیب شماره ای که در پشت آن ها نوشته شده است به آزمودنی داده می شوند و هر بار به او گفته می شود: «در این کارت چه می بینی؟». دستور اجرا را همیشه باید با وضعیت سن، تحصیلات، حالات روانی و شرایط محیطی آزمودنی تغییر داد تا بهترین روابط با او برقرار شود. اما باید توجه داشت که، این تغییرات پاسخ خاصی را به او تلقین نکنند. به طور مثال به هنگام سنجش خردسالان می توان گفت: «این یک بازی است، من حالا کارت هایی را به تو نشان خواهم داد، تو به من خواهی گفت که در آن ها چه می بینی، هر چه را که می بینی همه را باید بگویی».

۱۰) رورشاخ (۱۹۲۱) می گوید؛ به آزمودنی اجازه دهید چنانچه مایل است کارت ها را برای ادراک بیشتر یا پاسخ بیشتر بچرخاند. لکن این کار را شما به او پیشنهاد نکنید. در صورتی که آزمودنی کارتی را بچرخاند جهت چرخش آن را با گذاشتن علامت فلش یادداشت کنید: در جهت چپ با علامت <، راست با علامت >، رو به بالا با علامت <sup>۸</sup>

و رو به پایین با علامت V این علائم نشان می‌دهند. تا بدانیم که، آزمودنی به هنگام ارائه هر پاسخ، لکه را در چه جهت و چگونه ادراک کرده است.

### شیوهی برخورد آزمودنی با کارت‌ها:

۱) برخورد با کارت اول همیشه برای آزمودنی‌ها تجربه‌ای استثنائی است. در این برخورد افراد وقت بیشتری جهت ارائه پاسخ صرف می‌کنند. آنها به اجزاء لکه‌ها و تقارن آنها بیشتر تمرکز نشان می‌دهند و می‌خواهند معنی عمیقی از آن بیرون بکشند. در حالتی که مکث آنها بسیار طولانی شد، باید آنها را تشویق به پاسخ گفتن نمود. کلماتی که به عنوان تشویق بکار می‌بریم باید همیشه دارای معنای خنثی باشند. مثل «خُب»، «چه می‌بینی؟»، یا بعد از پاسخ اول: «ادامه بدهیم»، «باز چه می‌بینی؟»، «خُب داریم پیش می‌رویم»، «چیز دیگری هم می‌بینی؟» و در پایان هر کارت: «آیا چیز دیگری هم می‌بینی که نگفته باشی؟».

۲) مورژانتالر<sup>۱</sup> پیشنهاد می‌کند؛ اگر در کارت اول «قفل شدگی»<sup>۲</sup> مشاهده شد تا دو دقیقه منتظر می‌مانیم و سپس وارد صحنه می‌شویم. در این صورت نیز کلمات ما باید تشویق کننده و خنثی باشند. مثلاً می‌گوییم: «بنظر می‌رسد که شما خیلی جدی گرفته اید، کافی است هرچه در مغزتان می‌گذرد به زبان بیاورید».

۳) چنین سکوت طولانی در صورتی که آزمودنی عقب مانده ذهنی نباشد و جزء آن دسته از مریض‌های روانی نباشد که اخیراً دارو مصرف کرده است، اصطلاحاً «شوک»<sup>۳</sup> نامیده می‌شود و جزء یکی از علائم تشخیصی رورشاخ به حساب می‌آید که بعداً به آن خواهیم پرداخت.

۴) برخی از آزمودنی‌ها به دلایلی که بعداً آنها را ذکر خواهیم کرد بجای تفسیر لکه‌ها آنها را تعریف می‌کنند، بطور مثال می‌گویند: «این یک لکه است»، یا «این رنگین است»،

1- Morgentaler

2- Blocage

3- choc